

Explaining Mental Accounting with Tax Compliance, Tax Evasion and Tax Ethics in the Implementation of Tax System Smartness

S S. Hosseini Rad¹, R. Fallah Ph.D.², M. Maranjuri Ph.D.², M. Alikhani Kashkak Ph.D.²

1. Ph.D. Student, Dept. of Accounting, Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalus, Iran.

2. Dept. of Accounting, Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalus, Iran.

Abstract

Background: Mental accounting attempts to explain the mechanism by which people code, group, and evaluate economic income. The purpose of this study is to explain mental accounting with tax compliance, tax evasion and tax ethics in the implementation of tax system smartness.

Method: The present research was among mixed researches. Delphi technique was used in the qualitative part. The community of experts was in the field of tax affairs, and 20 experts were identified by non-probability and judgmental sampling method, and finally 13 of them declared their readiness to cooperate. The tool was interview and the data was analyzed with Delphi technique. In the quantitative part, the survey method has been used. The community of employees of the tax affairs department of Tehran were in the field of accounting, and 285 people were selected as a statistical sample and completed the questionnaire. The collected data were analyzed by structural equation modeling and PLS software.

Results: The results showed that there is a significant relationship between income tax and tax compliance, tax evasion and tax ethics in the implementation of tax system smartness. Also, there is a significant relationship between value-added tax and tax knowledge, and tax compliance, tax evasion and tax ethics in the implementation of tax system smartness. From a point of view, there is a significant relationship between tax thinking and tax compliance, tax evasion and tax ethics in the implementation of tax system smartness.

Conclusion: It is hoped that the results of this study will help the planners and policy makers in this area in order to make the tax system of our country more intelligent.

Keywords: Tax compliance, Tax evasion, Tax ethics, Tax intelligence, Mental accounting

***Corresponding Author:** R. Fallah, Dept. of Accounting, Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalus, Iran.
Email: rezafallah.dr@gmail.com

How to cite: S S. Hosseini Rad, R. Fallah, M. Maranjuri, M. Alikhani Kashkak. Explaining Mental Accounting with Tax Compliance, Tax Evasion and Tax Ethics in the Implementation of Tax System Smartness. *Ethics in Science and Technology*. 2024,19(2): 148-157.



Copyright © 2024 Authors. Published by Iranian Association for Ethics in Science and Technology. This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license.

(<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited

تبیین حسابداری ذهنی با تمکین مالیاتی، فرار مالیاتی و اخلاق مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی

سید شجاع الدین حسینی راد^۱، دکتر رضا فلاح^{۲*}، دکتر مهدی مرانجوری^۲، دکتر مرضیه علی خانی کشکک^۲
۱. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.
۲. گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۵)

چکیده

زمینه: حسابداری ذهنی تلاش می‌کند ساز و کاری را که مردم در آن درآمدهای اقتصادی را کدگذاری، گروه‌بندی و ارزیابی می‌کنند توضیح دهد. هدف مطالعه حاضر تبیین حسابداری ذهنی با تمکین مالیاتی، فرار مالیاتی و اخلاق مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی می‌باشد.

روش: تحقیق حاضر در زمره پژوهش‌های آمیخته بود. در بخش کیفی از تکنیک دلفی استفاده شد. جامعه خبرگان حوزه امور مالیاتی بودند که با روش نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفدار و قضاوتی ۲۰ نفر از افراد خبره شناسایی گردید که در نهایت ۱۳ نفر از آنان برای همکاری اعلام آمادگی نمودند. ابزار مصاحبه بود و داده‌ها با تکنیک دلفی تحلیل شدند. در بخش کمی، از روش پیمایشی استفاده گردیده است. جامعه کارمندان اداره امور مالیاتی شهر تهران در رشته حسابداری بودند که ۲۸۵ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند و پرسشنامه را تکمیل کردند. داده‌های گردآوری شده با مدلسازی معادلات ساختاری و با نرم‌افزار *PLS* تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین مالیات بر درآمد و تمکین مالیاتی، فرار مالیاتی و اخلاق مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی وجود دارد. و همچنین بین مالیات بر ارزش افزوده و دانش مالیاتی، و تمکین مالیاتی، فرار مالیاتی و اخلاق مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد. از جهتی بین تفکر مالیاتی و تمکین مالیاتی، فرار مالیاتی و اخلاق مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری: امید است که نتایج مطالعه حاضر در راستای هوشمندسازی نظام مالیات کشورمان به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در این حوزه کمک شایانی نماید.

کلیدواژه‌گان: تمکین مالیاتی، فرار مالیاتی، اخلاق مالیاتی، هوشمندسازی مالیات، حسابداری ذهنی

سرآغاز

با هدف گیری مزایای طرح مالیات الکترونیک در جهت افزایش کمیت و کیفیت آن در سطوح مورد نیاز و تلاش در حل مشکلات این طرح امیدواری بسیاری در افزایش سطح درآمدهای مالیاتی دولت به وجود خواهد آمد؛ بنابراین انتظار بر این است، در بستر فناوری اطلاعات و بکار گیری علوم انسانی مشکلات جمع آوری مالیات، این شریان حیاتی اداره کشور حل گردد. استفاده از تجربیات پیاده سازی این طرح کارآمد در سایر کشور های توسعه یافته و در حال توسعه هم می تواند در صرفه جوئی هزینه های دوباره کاری این طرح کلان بسیار مفید واقع گردد که خود این صرفه جوئی باعث افزایش سطح درآمد دولت به نوبه دیگر خواهد

از آنجا که استقرار یک نظام مالیاتی^۱ مدرن یکی از اهداف برنامه ریزی شده در چارچوب اصلاح نظام مالیاتی کشور جمهوری اسلامی ایران است، بنابراین هوشمندسازی مالیات از نتایج اجرای طرح کلان دولت الکترونیک^۲ می باشد. این طرح در جهت جمع آوری مالیات با کیفیت بیشتر نسبت به حالت کاغذی آن گام مهمی از گام های دولت الکترونیک می باشد. طرح مذکور نیز همانند طرح کلان تر خود یعنی دولت الکترونیک در سایه همت تمامی ارکان جامعه مفید واقع خواهد شد.

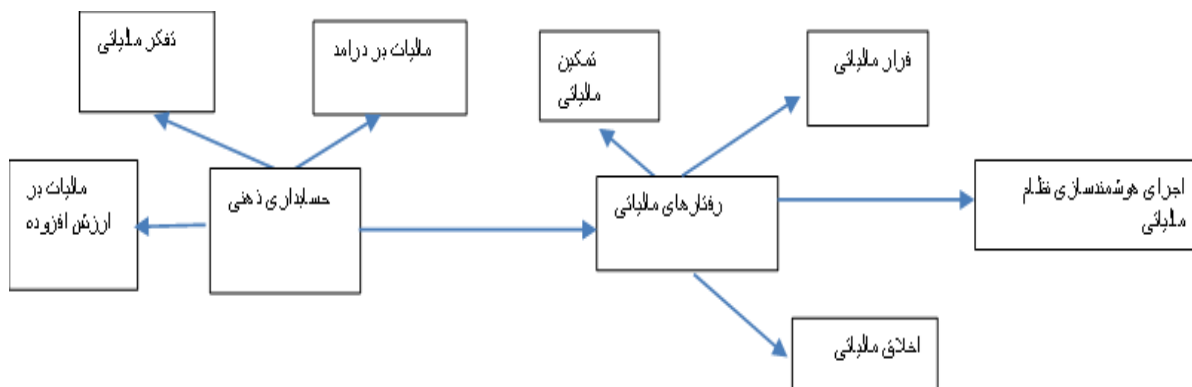
گردید و به عبارت دیگر ایجاد هوشمندسازی مالیات یا مالیات الکترونیکی و استقرار این نظام مالیاتی موجب افزایش درآمد مالیاتی^(۱) را در پی خواهد داشت. در میان خرده نظام های مستتر در سامانه اقتصاد جامعه، نظام مالیاتی از اهمیتی کلیدی و موقعیتی حساس برخوردار است که متناسب با تغییرات نظام اقتصادی با تأثیرپذیری از نهضت هوشمندسازی شدن، فضای کاری نوینی را تجربه می کند^(۲) بطوریکه مفهومی جدیدی تحت عنوان نظام هوشمندسازی را در بستری عمومی به نام دولت، پدید آورده است. اهمیت این مفهوم جدید به آن اندازه است که درجه تحقق آن یکی از شاخص های نشانگر سطح کیفی نظام اقتصادی کشورها ارزیابی شده و گفته میشود که اقتصادهای پیشرفته جهان امروز بر نظام مالیات برپایه هوشمندسازی استوارند. محققان^(۳) در مطالعه ای به بررسی مالیات الکترونیکی و نقش حسابداری^(۴) پرداخت. وی نتیجه گرفت که همراه با رشد سریع پردازش اطلاعات^(۵) بوسیله تجهیزات مخابراتی پیشرفته و بهره گیری از فناوری ارتباطات لازم است که همراه با آن حسابداری و نیز فناوری بهره گیری از آن پیشرفت نماید^(۶). اصلاح نظام مالیاتی و یافتن راهکارهای افزایش درآمد مالیاتی همواره مورد توجه دولتها بوده است^(۷). محقق^(۸) در مطالعه ای که بررسی تأثیر دانش حسابداری در نظام مالیاتی پرداخت، نتیجه گرفت دانش حسابداری بدنبال رفع نقاط ضعف و حل و فصل نمودن موانع جهت بهره گیری بهینه و کارآمد از تکنولوژی نوین مالیات برآیند تا علاوه بر بهره مندی از این پیشرفتهها منجر به افزایش دانش حسابداری نیز میگردد. یکی از مباحث نوین در حسابداری، مالی و رفتاری، حسابداری ذهنی^(۹) است. حسابداری ذهنی یک مفهوم اقتصادی است که اولین بار در سال ۱۹۸۰ توسط ریچارد تیلور ارائه گردید. بر این اساس افراد در تصمیمات مالی خود برای ارزیابی هر تصمیم حسابی جداگانه در ذهن باز میکنند و سعی میکنند عواقب هر تصمیم (مثبت یا منفی) را تنهایی بررسی کنند بنابراین، نمیتوانند یک نگاه کلی به مجموعه تصمیمهای خود داشته باشند و ممکن است تصمیمهایی بگیرند که منجر به حداکثر سازی ثروتشان نشود^(۱۰). حسابداری ذهنی، یک شکل کاملاً مشهودی از حسابداری است که منابع مالی را برای استفاده اشخاص در بر میگیرد و اغلب بدون دلایل منطقی به آسانی قابل نقل و انتقال نیستند^(۱۱). در مطالعات جدید، توجه ویژه ای به رابطه تئوری حسابداری ذهنی و درک تصمیمات مالیاتی شده است. به عنوان مثال، نتایج مطالعه ای^(۱۲) که به بررسی حسابداری ذهنی در مالیات انجام گرفت، نشان داند نظام مالیاتی در استفاده از حسابداری ذهنی مرتبط با مالیات بر درآمد متفاوت بوده و این مربوط به حسابداری ذهنی است. طی دهه های اخیر رفتارهای خلاف قاعده ای در بازارهای مالی به وجود آمده است که نظریه های مالی کلاسیک قادر به توضیح آنها نبوده اند و اصولاً یافته ها حاکی از آن است که عدم رعایت و سازگاری الزامات نتیجه عدم شفافیت در مالیات دهی نیست^(۱۳). اما ممکن است بعضی اوقات ناشی از عدم توانایی در انجام تعهدات نظام مالیاتی باشد^(۱۴). به دلیل عدم انجام مطالعات کافی، تاکنون مطالعات داخلی در زمینه حسابداری ذهنی و رفتارهای مالیاتی مانند تمکین مالیاتی^(۱۵)، فرار مالیاتی^(۱۶) و اخلاق مالیاتی^(۱۷) در

هوشمندسازی مالیات صورت نگرفته است. از همه مهم تر اینکه، در مورد چگونگی ارتباط حسابداری ذهنی با هوشمندسازی مالیات و نگرشها و رفتارهای مالیاتی، اطلاعات کمی وجود دارد. مالیات ها در نظام های اقتصادی کشورهای توسعه یافته نه تنها ابزار تأمین کننده مصارف بودجه دولت محسوب میشوند، بلکه در اجرای سیاست ها و راهبردهای اقتصادی^(۱۸) تعیین شده نیز نقش بارزی ایفا می کنند^(۱۹-۱۴). در اقتصاد ایران به دلیل مشکلات ساختاری که ریشه آن به مجموعه عوامل اقتصادی^(۲۰)، فرهنگی^(۲۱) و سیاسی^(۲۲) برمی گردد، اهمیت اصلاح ساختار مالیات در نظام اقتصادی به ویژه در بودجه های سالانه چندان مورد توجه قرار نگرفته است و از طرفی با توجه به اینکه مشاوران مالیاتی حسابداران حرفهای هستند، و تصمیم گیرهای مالی دولت نیازمند حسابداری ذهنی برای فرآیند تصمیم گیری در درآمدها و مخارج دولت دارد تا به افزایش درآمدهای پایدار دولت کمک نماید، در این راستا مطالعه حسابداری ذهنی در هوشمندسازی نظام مالیاتی^(۲۳) (مالیات الکترونیکی) ایران و مواردی چون تمکین مالیاتی، فرار مالیاتی و اخلاق مالیاتی ضروری به نظر میرسد که این مطالعه درصدد پاسخگویی به این سوال است که تبیین الگوی حسابداری ذهنی و تمکین مالیاتی، فرار مالیاتی و اخلاق مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی چگونه است؟

فرضیات پژوهش

- بین مالیات بر درآمد و تمکین مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین مالیات بر درآمد و فرار مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین مالیات بر درآمد و اخلاق مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین مالیات بر ارزش افزوده و تمکین مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین مالیات بر ارزش افزوده و فرار مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین مالیات بر ارزش افزوده و اخلاق مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین تفکر مالیاتی و تمکین مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین تفکر مالیاتی و فرار مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین تفکر مالیاتی و اخلاق مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین حسابداری ذهنی با رفتارهای مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

باتوجه به فرضیات بیان شده، مدل مفهومی فرضیات به صورت زیر نمودار گردید.



نگاره ۱: مدل مفهومی تحقیق

روش

تحقیق حاضر در زمره پژوهش های آمیخته بود.

در بخش کیفی از تکنیک دلفی استفاده شد. جامعه خبرگان حوزه امور مالیاتی بودند که با روش نمونه گیری غیراحتمالی هدفدار و قضاوتی ۲۰ نفر از افراد خبره شناسایی گردید که در نهایت ۱۳ نفر از آنان برای

همکاری اعلام آمادگی نمودند. میانگین مدت سابقه خدمت آنها ۲۰/۷ سال می باشد. ابزار مصاحبه بود و داده ها با تکنیک دلفی تحلیل شدند. در بخش کمی، از روش پیمایشی استفاده گردیده است. جامعه کارمندان اداره امور مالیاتی شهر تهران در رشته حسابداری بودند که ۲۸۵ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند و پرسشنامه میان نمونه آماری توزیع گردید. ویژگی های جمعیتی گروه نمونه در جداول ۲ و ۳ ارایه شده است.

جدول ۱: فراوانی و درصد فراوانی مربوط به ویژگی های جمعیت شناختی افراد

سمت سازمانی	فراوانی	درصد صحیح
حسابرس	۷۹	۲۸
رئیس امور مالیاتی	۵۰	۷/۱۷
عضو هیأت علمی	۴	۴/۱
کارمند و مدرس	۳۷	۱/۱۳
مدیر اجرایی	۱۲	۳/۴
مدیر حسابرسی	۴۴	۶/۱۵
مدیر فنی حسابرسی	۸	۸/۲
مشاور مالی	۲۳	۲/۸
نماینده سازمان امور مالیاتی در هیأت های حل اختلافات مالیاتی	۲۵	۹/۸
بدون پاسخ	۳	
جمع کل	۲۸۵	۱۰۰

جدول ۲: فراوانی و درصد فراوانی مربوط به ویژگی های جمعیت شناختی افراد

جنسیت	فراوانی	درصد	سطح تحصیلات	فراوانی	درصد	میزان سابقه کار	فراوانی	درصد صحیح
مرد	۲۶۲	۹/۹۱	کارشناسی	۹۷	۳۴	زیر ۵ سال	۱۷	۹
زن	۲۳	۱/۸	کارشناسی ارشد	۱۴۲	۸/۴۹	بین ۵ تا ۱۰ سال	۳۱	۱۱
کل	۲۸۵	۱۰۰	دکتری	۴۶	۱/۱۶	بین ۱۰ تا ۱۵ سال	۱۹	۷/۶
			کل	۲۸۵	۱۰۰	بین ۱۵ تا ۲۰ سال	۱۸	۴/۶
						بین ۲۰ تا ۲۵ سال	۵۹	۹/۲۰
						بالای ۲۵ سال	۱۳۸	۹/۴۸
						بدون پاسخ	۳	
						کل	۲۸۵	۱۰۰

داده های گردآوری شده با استفاده از روش مدلسازی معادلات ساختاری و با نرم افزار PLS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

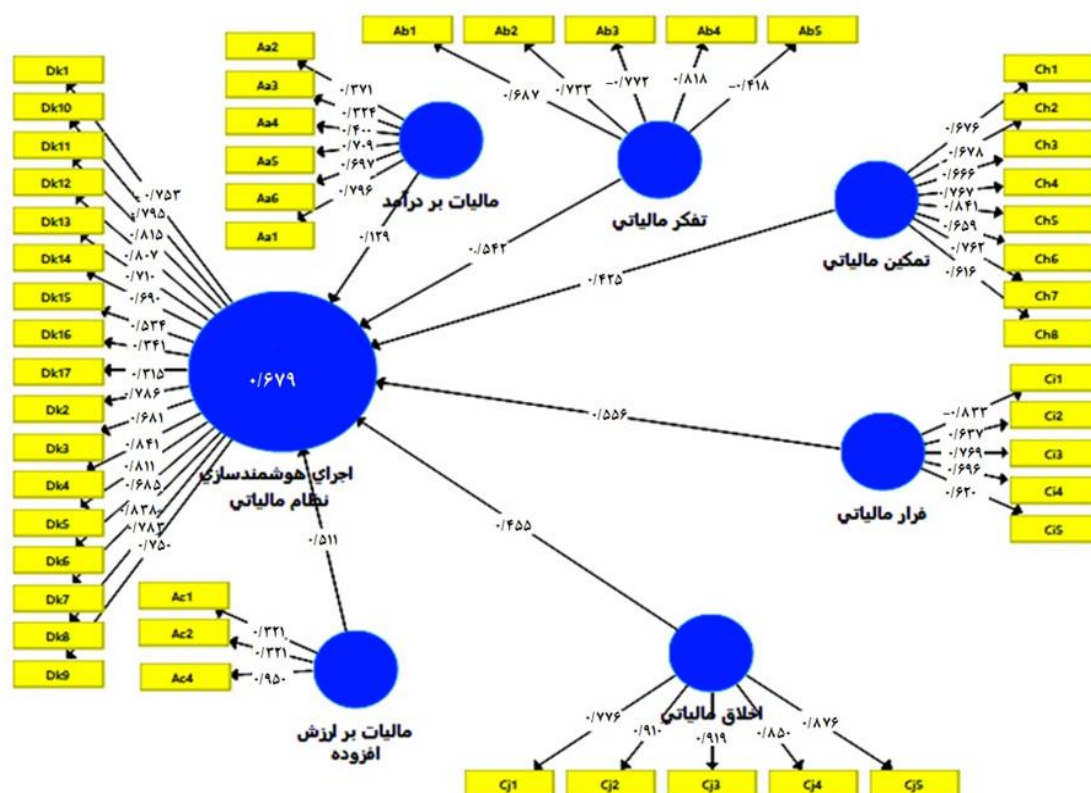
روش اجرای تحقیق بدین ترتیب بود که :

مرحله ی اول (تحقیق): در مرحله ی اول پیرامون موضوع تبیین الگوی حسابداری ذهنی با نگرشها و رفتارهای مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی، تحقیق و مطالعه صورت گرفت و پس از کسب شناخت کافی نسبت به مسئله معیارهای کلیدی استخراج شد. مرحله ی دوم (طراحی سؤالات و پرسشنامه): در این مرحله با توجه به مبانی استخراج شده از مرحله اول سؤالاتی برای طراحی پرسشنامه تنظیم می گردد و در قالب پرسشنامه در اختیار خبرگان قرار گرفت. مرحله ی سوم (پاسخ به سؤالات - توزیع پرسشنامه): در مرحله ی سوم گروهی موسوم به اعضای دلفی که باید به سؤالات پاسخ دهند، شناسایی می شوند در این مرحله مطابق با بنیان روش دلفی، پرسشنامه های طراحی شده ی ابتدایی در اختیار خبرگان و کارشناسان کلیدی در زمینه ی مالیات، حسابداری و اقتصاد که شامل خبرگان و هیات علمی دانشگاه ها در حوزه حسابداری، مالیات و اقتصاد می باشند، قرار گرفت. مرحله چهارم (جمع آوری پاسخ ها و تجزیه و تحلیل آنها): در این مرحله به تجزیه و تحلیل پاسخها و نتایج و آزمون های آماری پرداخته شد.

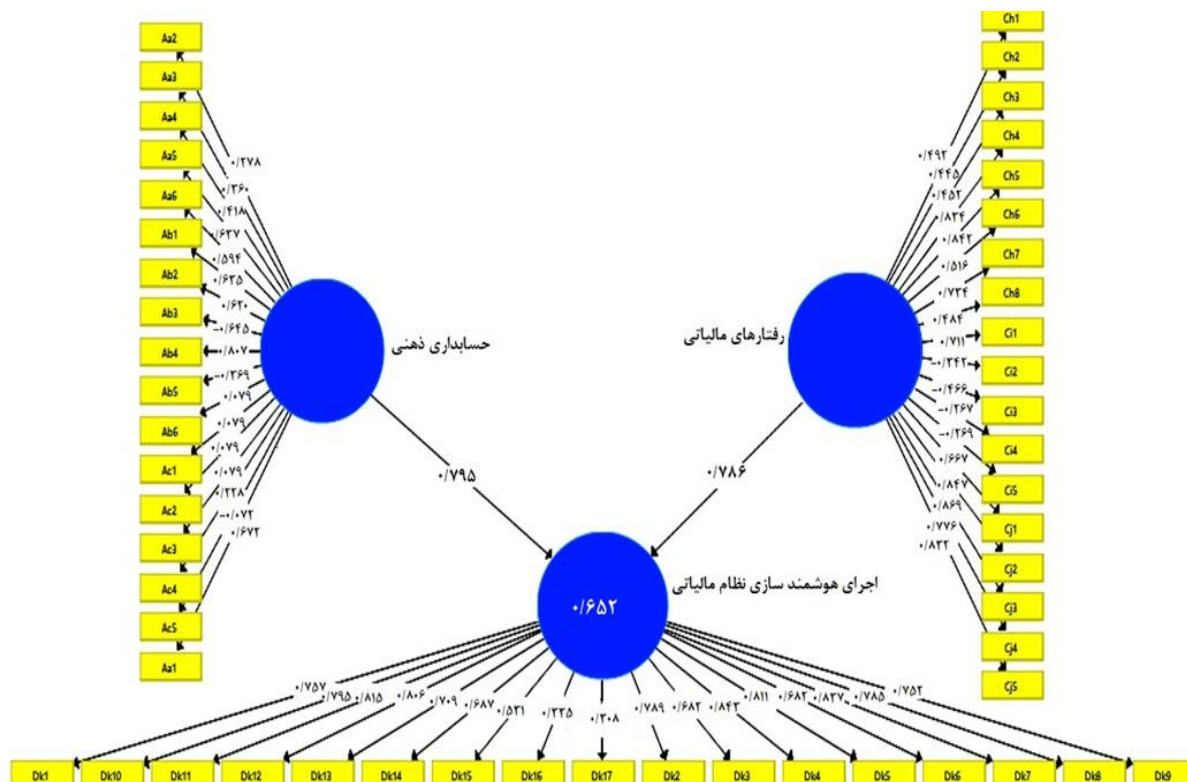
یافته ها

مطالعه دلفی

مطالعه دلفی به منظور سنجش درصد پذیرش سؤالات در سه مرحله در اختیار کارشناسان و مدیران و کارکنان سازمان امور مالیاتی قرار گرفت. مبنای تصمیم در خصوص سؤالات بر اساس مطالعات پیشین در روش دلفی بدین صورت است که، درصد پذیرش کمتر از ۳۰ درصد بیانگر عدم پذیرش سؤالات، درصد پذیرش مابین ۳۰ الی ۷۰ درصد بیانگر ارجاع به دور بعد و درصد پذیرش بالای ۷۰ درصد بیانگر پذیرش سؤال می باشد. گام اول : در گام اول پرسشنامه های مربوط به حسابداری ذهنی، نگرش مالیاتی، رفتارهای مالیاتی و اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی، در اختیار ۱۳ خبرگان سازمان امور مالیاتی قرار گرفت. گام دوم: بررسی نتایج بدست آمده از پژوهش در خصوص تصمیم گیری در مورد سؤالات پرسشنامه های مربوط به اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی در گام دوم مطالعه دلفی نشان می دهد، با توجه به اینکه درصد عدم پذیرش تمامی سؤالات کمتر از ۳۰ درصد می باشد لذا تمامی سؤالات این پرسشنامه در این مرحله پذیرفته می شود.



نگاره ۲: تحلیل اندازه ضرایب مسیر در روابط بین متغیرها در اولین مدل ساختاری پژوهش



نگاره ۳: تحلیل اندازه ضرایب مسیر در روابط بین متغیرها در دومین مدل ساختاری پژوهش

همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای تمامی سازه ها بزرگتر از ۰/۷ و شاخص CR برای تمامی سازه ها بزرگتر از ۰/۷ است لذا این نتایج بیانگر وجود پایداری لازم در اندازه گیری سازه های پژوهش توسط گویه های مربوطه می باشد.

تحلیل معادلات ساختاری پژوهش

در این پژوهش بر اساس فرضیه های مورد مطالعه، دو مدل ساختاری طراحی شده است که به روش کمترین مربعات جزئی (PLS) تحلیل گردیده است.

یافته های پژوهش نشان می دهد، ضریب تبیین پیش بینی متغیر وابسته اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی در مدل اول برابر با ۰/۶۷۲ و در مدل دوم برابر با ۰/۶۴۹ است که مابین ۰/۵ الی ۰/۷ قرار دارد که نشان می دهد در هر دو مدل متغیرهای مستقل اثرگذار، قدرت متوسطی را در پیش بینی اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی دارا می باشد. همچنین اندازه اثر F^2 تفکر مالیاتی، فرار مالیاتی، حسابداری ذهنی و رفتارهای مالیاتی به ترتیب برابر با ۰/۵۲۳، ۰/۴۲۵، ۰/۷۴۲ و ۱/۱۴۵ و بزرگتر از حد معیار قابل قبول کوهن یعنی ۰/۳۵ می باشد. همچنین اندازه اثر F^2 اخلاق مالیاتی، تمکین مالیاتی و مالیات بر ارزش افزوده به ترتیب برابر با ۰/۲۱۵، ۰/۳۰۳ و ۰/۱۵۴ (مابین ۰/۱۵ الی ۰/۳۵) می باشد. این اندازه برای مالیات بر درآمد برابر با ۰/۱۱۳ (کمتر از ۰/۱۵) می باشد. بر اساس این نتایج می توان نتیجه گرفت تفکر

تحلیل روایی و پایایی سازه های پژوهش

در این پژوهش روایی همگرا، از طریق تحلیل عاملی تأییدی سازه ها و بررسی شاخص های میانگین واریانس استخراج شده (AVE) و ضریب پایایی ترکیبی (CR) مطالعه شده و روایی و اگر با محاسبه و بررسی شاخص HTMT تحلیل شده است. نتایج پژوهش نشان می دهد، اندازه بار عاملی سؤالات در این جدول از ۰/۳۱۵ بزرگتر است که بیشتر از حد معیار ۰/۳ می باشد. سؤال ۶ پرسشنامه تفکر مالیاتی و سؤالات ۳ و ۵ پرسشنامه مالیات بر ارزش افزوده بدلیل معنادار نبودن بارعاملی از روند تحلیل حذف شدند. برای سایر سؤالات مقادیر احتمال عدم معنی داری بارعاملی سؤالات از احتمال خطای نوع اول ۰/۰۵ کوچکتر است بنابراین معنادار بودن بارعاملی تمامی سؤالات در این سطح خطا پذیرفته می شود.

شاخص AVE برای تمامی سازه ها بزرگتر از ۰/۵ یا برابر با آن است. شاخص CR برای تمامی سازه ها بزرگتر از ۰/۶ و بزرگتر از AVE است لذا این نتایج بیانگر وجود روایی همگرا در اندازه گیری سازه های پژوهش توسط گویه های مربوطه می باشد.

بررسی نتایج نشان می دهد در خصوص تمامی سازه ها، شاخص HTMT کمتر از ۰/۹ است لذا سازه های پژوهش از روایی و اگرای مطلوبی برخوردار می باشد. در این پژوهش از روش آلفای کرونباخ و ضریب پایایی مرکب در این خصوص استفاده شده است.

مالیاتی، فرار مالیاتی، حسابداری ذهنی و رفتارهای مالیاتی اثرگذاری بالا، اخلاق مالیاتی، تمکین مالیاتی و مالیات بر ارزش افزوده اثرگذاری متوسط و مالیات بر درآمد اثرگذاری ضعیفی دارد.

آزمون فرضیه های پژوهش

فرضیه (۱): بین مالیات بر درآمد و تمکین مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

طبق نتایج پژوهش مقدار احتمال فرض عدم تأثیر مالیات بر درآمد و تمکین مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی به ترتیب برابر با ۰/۰۰۰ و ۰/۰۰۶ و کمتر از احتمال خطای نوع اول ۰/۰۵ می باشد. ضریب مسیر این دو رابطه به ترتیب برابر با ۰/۴۲۵ و ۰/۱۲۹، مثبت و کمتر از ۰/۵ است که نشان می دهد، مالیات بر درآمد و تمکین مالیاتی به طور مستقیم و با شدت ضعیف در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی مؤثر می باشد. طبق این نتایج اولین فرضیه پژوهش رد نمی شود.

فرضیه (۲): بین مالیات بر درآمد و فرار مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

طبق نتایج پژوهش مقدار احتمال فرض عدم تأثیر مالیات بر درآمد و فرار مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی به ترتیب برابر با ۰/۰۰۰ و ۰/۰۰۶ و کمتر از احتمال خطای نوع اول ۰/۰۵ می باشد. ضریب مسیر این دو رابطه به ترتیب برابر با ۰/۵۵۶ (مثبت و ما بین ۰/۵ الی ۰/۷) و ۰/۱۲۹ (مثبت و کمتر از ۰/۵) است که نشان می دهد، فرار مالیاتی به طور مستقیم و با شدت متوسط و مالیات بر درآمد به طور مستقیم و با شدت ضعیف در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی مؤثر می باشد. طبق این نتایج دومین فرضیه پژوهش نیز رد نمی شود.

فرضیه (۳): بین مالیات بر درآمد و اخلاق مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

طبق نتایج پژوهش مقدار احتمال فرض عدم تأثیر مالیات بر درآمد و اخلاق مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی به ترتیب برابر با ۰/۰۰۰ و ۰/۰۰۶ و کمتر از احتمال خطای نوع اول ۰/۰۵ می باشد. ضریب مسیر این دو رابطه به ترتیب برابر با ۰/۴۵۵ و ۰/۱۲۹، مثبت و کمتر از ۰/۵ است که نشان می دهد، مالیات بر درآمد و اخلاق مالیاتی به طور مستقیم و با شدت ضعیف در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی مؤثر می باشد. طبق این نتایج سومین فرضیه پژوهش نیز رد نمی شود.

فرضیه (۴): بین مالیات بر ارزش افزوده و تمکین مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

طبق نتایج پژوهش مقدار احتمال فرض عدم تأثیر مالیات بر ارزش افزوده و تمکین مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی به ترتیب برابر با ۰/۰۰۰ و ۰/۰۰۰ و کمتر از احتمال خطای نوع اول ۰/۰۵ می باشد. ضریب مسیر این دو رابطه به ترتیب برابر با ۰/۴۲۵ (مثبت و کمتر از ۰/۵) و ۰/۵۱۱ (مثبت و ما بین ۰/۵ الی ۰/۷) است که نشان می دهد، تمکین مالیاتی بطور مستقیم و با شدت ضعیف و مالیات بر ارزش افزوده بطور مستقیم و با شدت متوسط در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی مؤثر می باشد. طبق این نتایج پنجمین فرضیه پژوهش نیز رد نمی شود.

فرضیه (۵): بین مالیات بر ارزش افزوده و فرار مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

طبق نتایج پژوهش مقدار احتمال فرض عدم تأثیر مالیات بر ارزش افزوده و فرار مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی به ترتیب برابر با ۰/۰۰۰ و ۰/۰۰۰ و کمتر از احتمال خطای نوع اول ۰/۰۵ می باشد. ضریب مسیر این دو رابطه به ترتیب برابر با ۰/۵۵۶ و ۰/۵۱۱، مثبت و ما بین ۰/۵ الی ۰/۷ است که نشان می دهد، مالیات بر ارزش افزوده و فرار مالیاتی به طور مستقیم و با شدت متوسط در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی مؤثر می باشد. طبق این نتایج پنجمین فرضیه پژوهش نیز رد نمی شود.

فرضیه (۶): بین مالیات بر ارزش افزوده و اخلاق مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

طبق نتایج پژوهش مقدار احتمال فرض عدم تأثیر مالیات بر ارزش افزوده و اخلاق مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی به ترتیب برابر با ۰/۰۰۰ و ۰/۰۰۰ و کمتر از احتمال خطای نوع اول ۰/۰۵ می باشد. ضریب مسیر این دو رابطه به ترتیب برابر با ۰/۴۵۵ (مثبت و کمتر از ۰/۵) و ۰/۵۱۱ (مثبت و ما بین ۰/۵ الی ۰/۷) است که نشان می دهد، مالیات بر ارزش افزوده به طور مستقیم و با شدت ضعیف و اخلاق مالیاتی بطور مستقیم و با شدت متوسط در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی مؤثر می باشد. طبق این نتایج ششمین فرضیه پژوهش نیز رد نمی شود.

فرضیه (۷): بین تفکر مالیاتی و تمکین مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

طبق نتایج پژوهش مقدار احتمال فرض عدم تأثیر تفکر مالیاتی و تمکین مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی به ترتیب برابر با ۰/۰۰۰ و ۰/۰۰۰ و کمتر از احتمال خطای نوع اول ۰/۰۵ می باشد. ضریب مسیر این دو رابطه به ترتیب برابر با ۰/۵۴۲ (مثبت و ما بین ۰/۵ الی ۰/۷) و ۰/۴۲۵ (مثبت و کمتر از ۰/۵) است که نشان می دهد، تفکر مالیاتی به طور مستقیم و با شدت متوسط و تمکین مالیاتی بطور مستقیم و با شدت ضعیف در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی مؤثر می باشد. طبق این نتایج هفتمین فرضیه پژوهش نیز رد نمی شود.

فرضیه (۸): بین تفکر مالیاتی و فرار مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

طبق نتایج پژوهش مقدار احتمال فرض عدم تأثیر تفکر مالیاتی و فرار مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی به ترتیب برابر با ۰/۰۰۰ و ۰/۰۰۰ و کمتر از احتمال خطای نوع اول ۰/۰۵ می باشد. ضریب مسیر این دو رابطه به ترتیب برابر با ۰/۵۴۲ و ۰/۵۵۶، مثبت و ما بین ۰/۵ و ۰/۷ قرار دارد که نشان می دهد تفکر مالیاتی و فرار مالیاتی به طور مستقیم و با شدت متوسط در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی مؤثر می باشد. طبق این نتایج هشتمین فرضیه پژوهش رد نمی شود.

فرضیه (۹): بین تفکر مالیاتی و اخلاق مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

باتوجه به نتایج آزمون فرضیات، پیشنهادات زیر ارائه میگردد:

— به مدیران سازمان های امور مالیاتی توصیه میگردد که گزارشات خود را شفاف بیان کنند که شفافیت در گزارشات مالی و مالیاتی میتواند بر نحوه پرداخت مالیات افراد موثر باشد و اگر جامعه به این باور برسند که گزارشات شفافیت لازم را دارد و دولت با آنان صادق است و مشخص میگردد که مالیات پرداخت شده در کجا صرف خواهد شد، از این جهت آنان نظام پرداخت مالیات را برای توسعه و رشد جامعه و کشور میدانند و از سمتی شفافیت در هوشمندسازی نظام مالیات میتواند به جامعه این تضمین را دهد که تمامی پرداختهای مالیات مشخص و شفاف است و در جهت پاسخگویی دولت است و از سمتی حسابداری ذهنی با برنامه ریزی های مالیاتی میتوانند این دیدگاه را توسعه بخشد.

— به برنامه ریزان و سیاست گذاران در نظام مالیاتی ایران پیشنهاد میگردد که توجه مبدولی به حسابداری ذهنی داشته باشند تا از این طریق بتوانند برنامه ریزی های مالی و مالیاتی خود را انجام دهند و در همین راستا توصیه میگردد که کلاسهای آموزشی جهت آشنایی و آموزش حسابداری ذهنی در سازمان های دولتی و مخصوصا سازمان های مرتبط با مالیات شکل گیرد و مدیران و کارکنان ضمن شرکت در این کلاسها و آشنایی با مفاهیم کاربردهای حسابداری ذهنی بتوانند از آن برای برنامه ریزی های مالیاتی استفاده کنند.

— به مدیران پیشنهاد میگردد که جلسات آموزشی برای مودیان مالیاتی برگزار گردد و ضمن اینکه آنان را با هوشمندسازی مالیات آشنا میکنند، به آنان نقش حسابداری ذهنی را آموزش دهند و توصیه کنند که هوشمندسازی مالیات نیازمند حسابداری ذهنی است که باید در این جلسات با گفتگو با یکدیگر و تبادل نظر در باره آن به نقش حسابداری ذهنی آشنا گردند.

نتیجه گیری

نظام مالیاتی کشور در حال حاضر با تکیه بر اطلاعات طرح جامع مالیاتی، به سوی حذف شیوه تشخیص علی الراس پیش می رود. شیوهایی که همواره بحثها و مسایل زیادی پیرامون خود داشته و به دلیل نبود اطلاعات شفاف از مبادلات اقتصادی افراد، سازمان امور مالیاتی ناگزیر به اجرای آن بود. با تکمیل شدن اطلاعات پایگاه اطلاعات مودیان مالیاتی و همکاری همه دستگاههای ذیربط برای ارایه اطلاعات مورد نیاز سازمان و همچنین توسعه زیرساختهای فناوری در کشور به ویژه اجرای قانون پایانه فروشگاهی در ابعاد سراسری، نظام مالیاتی هوشمند به مرحله اجرا نزدیکتر خواهد شد. با اجرای نظام مالیات هوشمند عملا فرار مالیاتی به حداقل می رسد؛ تکریم مردم به حداکثر می رسد؛ عدالت مالیاتی گسترش می یابد؛ درآمدهای مالیاتی رشد پیدا می کند و در نهایت نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی کشور نیز

طبق نتایج پژوهش مقدار احتمال فرض عدم تأثیر تفکر مالیاتی و اخلاق مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی به ترتیب برابر با ۰/۰۰۰ و ۰/۰۰۰ و کمتر از احتمال خطای نوع اول ۰/۰۵ می باشد. ضریب مسیر این دو رابطه به ترتیب برابر با ۰/۴۵۵ (مثبت و کمتر از ۰/۵) و ۰/۵۴۲ (مثبت و مابین ۰/۵ الی ۰/۷) قرار دارد که نشان می دهد، تفکر مالیاتی به طور مستقیم و با شدت ضعیف و اخلاق مالیاتی به طور مستقیم و با شدت متوسط در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی مؤثر می باشد. طبق این نتایج نهمین فرضیه پژوهش رد نمی شود.

فرضیه (۱۰): بین حسابداری ذهنی با رفتارهای مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

طبق نتایج پژوهش مقدار احتمال فرض عدم تأثیر حسابداری ذهنی و رفتارهای مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی به ترتیب برابر با ۰/۰۰۰ و ۰/۰۰۰ و کمتر از احتمال خطای نوع اول ۰/۰۵ می باشد. ضریب مسیر این دو رابطه به ترتیب برابر با ۰/۷۳۵ و ۰/۷۸۶، مثبت و بیشتر از ۰/۷ است که نشان می دهد، حسابداری ذهنی و رفتارهای مالیاتی به طور مستقیم و با شدت بالا در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی مؤثر می باشد. طبق این نتایج دهمین فرضیه پژوهش رد نمی شود.

بحث

مطالعه حاضر درصدد پاسخگویی به این سوال است که تبیین حسابداری ذهنی با رفتارهای مالیاتی^{۱۵} (تمکین مالیاتی، فرار مالیاتی و اخلاق مالیاتی) در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی چگونه است. در این راستا ۱۰ فرضیه تدوین گردید. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد که بین مالیات بر درآمد و تمکین مالیاتی، فرار مالیاتی و اخلاق مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد. و همچنین بین مالیات بر ارزش افزوده و دانش مالیاتی، و تمکین مالیاتی، فرار مالیاتی و اخلاق مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد. و از جهتی بین تفکر مالیاتی و تمکین مالیاتی، فرار مالیاتی و اخلاق مالیاتی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد. این نتایج با نتایج برخی پژوهش ها در این زمینه همسو و همراستاست (۱۵-۲۱). از نتایج میتوان چنین تبیین کرد که حسابداری ذهنی نقش مؤثری بر رفتار مالیاتی دارد که میتوان از حسابداری ذهنی در اجرای هوشمندسازی نظام مالیاتی بهره برد. از نتایج پژوهش میتوان چنین نتیجه گرفت که ما برای داشتن یک نظام مالیاتی در چهره هوشمندسازی مالیات نیازمند حسابداری ذهنی هستیم. حسابداری ذهنی این امکان را به برنامه ریزان و سیاست گذاران در عرصه مالیاتی میدهد که با تفکیک حسابها بتوانند برای آینده برنامه ریزی کنند و از سمتی لازمه اجراسازی نظام هوشمندسازی مالیات وجود رفتارهای مالیاتی است به این معنا که چگونگی نگاه به مالیات خود زمینه ساز نظام مالیاتی است. افرادی که دیدگاه درستی به مالیات دارند مانند داشتن اخلاق مالیاتی، اجرای هوشمندسازی مالیات را بهتر درک میکنند.

واژه نامه

1. Tax system	نظام مالیاتی
2. Electronic government	دولت الکترونیک
3. Tax income	درآمد مالیاتی
4. Accounting	حسابداری
5. Information processing	پردازش اطلاعات
6. Mental accounting	حسابداری ذهنی
7. Tax compliance	تمکین مالیاتی
8. Tax fraud	فرار مالیاتی
9. Tax ethics	اخلاق مالیاتی
10. Economic strategies	راهبرد اقتصادی
11. Economic factors	عوامل اقتصادی
12. Cultural factors	عوامل فرهنگی
13. Political factors	عوامل سیاسی
14. Smartening the tax system	هوشمند سازی نظام مالیاتی
15. Tax behaviors	رفتارهای مالیاتی

فرا تر می رود. نظام مالیاتی هوشمند به عنوان بهترین راهکار برای مبارزه با فرار مالیاتی و افزایش اخلاق مالیاتی در کشور است. نظام مالیاتی هوشمند، فاصله مودی و ممیز مالیاتی را به کمترین میزان کاهش داده و همچنین اشراف سازمان به عملکرد و فعالیت واقعی مودیان را تقویت می نماید. امید است که نتایج مطالعه حاضر در راستای هوشمندسازی نظام مالیات کشورمان به برنامه ریزان و سیاست گذاران در این حوزه کمک شایانی نماید.

ملاحظه های اخلاقی

موضوعات اخلاقی (مانند سرقت ادبی، رضایت آگاهانه، همراه کردن، ساخت و یا جعل داده ها، انتشار یا ارسال به دو مکان، افزونگی و غیره) به طور کامل مورد توجه نویسندگان قرار گرفته است.

References

- Mbah AK, Paothong A. Shapiro-Francia test compared to other normality test using expected p-value. Journal of Statistical Computation and Simulation, 2015; 85: 3002–3016. Doi: <https://doi.org/10.1080/00949655.2014.947986>
- Mwencha PM. Taxation of electronic commerce—a commentary. Financing for Development, 2019; 1(1). doi: [10.1787/5k437p2gwxw6g-en](https://doi.org/10.1787/5k437p2gwxw6g-en)
- Abunssar M. Tax accounting: income tax and sales. 3rd ed. Jordan/ Amman: National Library Department. 2020.
- Erickson MM, Hanlon ML, Maydew EL, Shevlin TJ. Scholes and Wolfson's taxes and business strategy. 6th ed. Cambridge Business Publishers. 2020.
- Al-Rifai K. Tax accounting between theory and practice income tax and sales. 2nd ed. Jordan/ Amman: Dar Tasnim Publishing and Distribution. 2017.
- Damanik DN. Taxation policy on e-commerce transactions. In Proceedings of the International Seminar, 2020; 1(1): 20-24.
- Kian A, Pourheidari O, Kamyabi Y. Examining the behavior of managers in applying mental accounting in profit and loss reporting. Empirical Studies of Financial Accounting, 2018; 15(58): 1-26. (In Persian).
- Helion C, Gilovich T. Gift cards and mental accounting: Green-lighting hedonic spending. Journal of Behavioral Decision Making, 2014; 27: 386–393. Doi: <https://doi.org/10.1002/bdm.1813>
- Muehlbacher S, Hartl B, Kirchler E. Mental accounting and tax compliance: Experimental evidence for the effect of mental segregation of tax due and revenue on compliance. Public Finance Review, 2017; 45: 118–139. Doi: [10.1177/1091142115602063](https://doi.org/10.1177/1091142115602063)
- Fochmann M, Wolf N. Mental accounting in tax evasion decisions – an experiment on underreporting and over educating. University of Hannover, Arqus Pub. 2015.
- Yalcin KC, Tatoglu E, Zaim S. Developing an instrument for measuring the effects of heuristics on investment decisions. Cybernetics, 2016; 45(7):1052-1071. Doi: [10.1108/K-05-2015-0130](https://doi.org/10.1108/K-05-2015-0130)
- Kermanshahi B, Azami Z. The relationship between personal ethics, professional ethics and gender of accountants and tax compliance. Ethics in Science and Technology, 2018; 13(1): 91-99. (In Persian). Dor: [20.1001.1.22517634.1397.13.1.11.3](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1397.13.1.11.3)
- Razmi SMJ, Kavooosi S. The mediator role of tax morale in relationship between social capital and tax compliance. Ethics in Science and Technology, 2015; 10 (2). Dor: [20.1001.1.22517634.1394.10.2.8.1](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1394.10.2.8.1)
- Khajefard N, Hallaj M. The role of ethics in tax compliance decisions. Ethics in Science and Technology 2021; 15 (4): 122-130. (In Persian). Dor: [20.1001.1.22517634.1399.15.4.17.9](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1399.15.4.17.9)
- Adegboy I, Monday I. SMEs business characteristics, tax administration and tax compliance by SMEs in Nigeria. Journal of Business and Economics, 2018; 3: 7-17.
- Hail L, Leuz C, Wysocki P. Global accounting convergence and the potential adoption of IFRS by the U.S. (part I): Conceptual underpinnings and economic analysis. Accounting Horizons, 2010; 24(3): 355-394. Doi: [10.2308/acch.2010.24.3.355](https://doi.org/10.2308/acch.2010.24.3.355)
- Zafar A, Mustafa S. SMEs and their role in the economic and socio-economic development of Pakistan. International Journal of Academic Research in Accounting, Finance and Management Sciences, 2017; 7(4). Doi: <https://doi.org/10.6007/ijarafms/v7-i4/3484>
- Anolam OM, Okoroafor SN, Ajaero OO. Effect of mental accounting on corporate profitability. West African Journal of Industrial and Academic Research, 2015; 14(1): 100- 114
- Hikmah H, Hari Adi P, Supramono S, Woro Damayanti D. The nexus between attitude, social norms, intention to comply, financial performance, mental accounting and tax compliance behavior. Economic and Financial Review, 2021; 11(12): 938–949. Doi: <https://doi.org/10.18488/journal.aefr.2021.1112.938.949>
- Matthews M, Mokoena BA. The influence of service quality dimensions on customer satisfaction within visa facilitation centers in South Africa. International Journal



of eBusiness and eGovernment Studies, 2020; 12(2): 122-135. doi: <https://doi.org/10.34111/ijepeg.20201220>

Financial Planning Review, 2018; 1(1-2). Doi: <https://doi.org/10.1002/cfp2.1011>

21. Zhang CY, Sussman AB. Perspectives on mental accounting: An exploration of budgeting and investing.